



27 دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش یکصد و پنجم)

اقدامات در جهت رفع مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ جهانی:

محمدعلی درکتاب "فعالیت تجارتي افغانستان" (Commercial Afghanistan) واردات و صادرات کشور را که بیشترین آن از طریق هند برتانوی صورت میگرفت، با ذکر ارقام به میلیون کداری آنوقت هند چنین ارائه میکند: واردات در سال 1938 به 21.6 ، در 1940 به 26.9 و در سال 1942 به 32.9 میلیون کداری افزایش یافت، اما صادرات از طریق هند در سال 1938 به 37.1 میلیون، در سال 1940 به 39.7 میلیون و در سال 1942 به 62.4 میلیون کداری بالا رفت که در آن سالها به دلیل کمبود اسعار و کنترل آن از طرف دولت افغانستان و بند شدن راه ها در اثر جنگ جهانی و کم شدن واردات از خارج یک تفاضل قابل ملاحظه در بیلبانس تجارت خارجی کشور به مشاهده رسید. در جمله اقلام وارداتی یک قسمت تولیدات کشور هند و یک قسمت اموال ساخت خارج از هند شامل بود که از بازارهای هند خریداری شده و به کشور وارد میگردد و اما یک قسمت دیگر واردات از خارج هند خریداری و فقط بطور ترانزیت از هند به افغانستان وارد می شد که در هر دو حالت قسمتی از واردات از طرف تجار افغانی و قسمت دیگر از طرف دولت خریداری شده بودند. اقلام وارداتی بیشتر شامل منسوجات نخی، چای، بوت، چرم، سمنت، آهن و فولاد، پارچه جات ابریشمی، شکر و ماشین و آلات تخنیکی بودند که از کشورهای جاپان، هند، جرمنی، برما و برتانیه وارد می شدند.

اقلام عمده صادراتی کشوری طی سالهای فوق الذکر عبارت بودند از اقلام ذیل: پوست قره قل و انواع دیگر پوست باب (در سال 1942 به 40.6 میلیون کداری) و میوه تازه و خشک (در آن سال به 13 میلیون کداری) میرسید که این دو قلم تقریباً بیش از 85 فیصد صادرات را احتوا میکرد و متباقی آنرا قالدین (2.2 میلیون کداری)، پنبه (33 میلیون کداری)، پشم (31 میلیون کداری) و ادویه طبی (4.2 میلیون کداری) تشکیل میداد.

نکته قابل ذکر همانا در تجارت با شوروی بود که بر طبق قرارداد بین دو کشور به شکل "بارتر" صورت میگرفت یعنی تاجران معادل به ارزش صادرات از شوروی باید متاع مورد نظر خود را وارد میکردند.

در اینجا لازم به تذکر است که تا آنوقت حکومت افغانستان بر نرخ تبادل افغانی با اسعار خارجی و نیز پیمانہ صادرات و واردات کنترل نداشت، بطور عموم هر وقتی واردات به تناسب صادرات بیشتر می بود، یعنی بیلبانس تجارت خارجی کسر میداشت، نرخ تبادل یک کداری هندی تا 12 افغانی نیز میرسید و اما در سالهای جنگ عمومی دوم وقتی به دلایل مشکلات ترانسپورتی و قلت مواد، حجم واردات بسیار تقلیل یافت و در مقابل صادرات به همان پیمانہ قبلی باقی ماند یعنی تفاضل در بیلبانس

تجارت خارجی پدید آمد، نرخ تبادل یک کلدار هندی در آنوقت حتی تا 3 افغانی پایان آمد. (صفحه 41 تا 47 کتاب: محمدعلی دیده شود)

پس از آنکه بانک ملی افغان شروع بکار نمود، وضع تغییر کرد و تحولات عمده و مهم در امور تجارت بطورکل پدید آمد. با تأسیس شرکتهای تجارتی از طرف بانک و فراهم آوری تسهیلات برای تاجران، امور تجارت خارجی و داخلی رونق تازه یافت، کنترل بر اسعار و نرخ تبادل به وجود آمد و کوشیده شد تا توازن بین واردات و صادرات برقرار شود. بانک ملی توانست نرخ تبادل افغانی را با دالر بطور ثابت نگهدارد و از اینطریق معادلت نرخ تبادل افغانی را با سایر اسعار خارجی تثبیت نماید. بانک همه تاجران را تشویق کرد تا معاملات خویش را از طریق بانک با خارج پیش ببرند و اسعار مازاد از صادرات خویش را در بانک به افغانی تسعیر نمایند. در سال 1942 نرخ تبادل اسعار خارجی که در آنوقت تحت کنترل بانک قرار داشت، در کابل چنین بود: یک پوند سترلینگ تقریباً 53 افغانی، یک دالر امریکائی تقریباً 13 افغانی، یک فرانک سویسی تقریباً 3 افغانی و یک کلدار هندی تقریباً 4 افغانی.

عبدالمجید خان زابلی دریکی از یادداشتهای خود می نویسد: «پنج روز بعد از آغاز جنگ جهانی دوم به علت خطر مسدود شدن راه اروپا، قبل از اینکه افغانستان به امریکا روابط سیاسی داشته باشد، برق آسا "افغان امریکن تریدینگ کمپنی" نیویارک را تأسیس نمودیم و تجارت به سمت اروپا و امریکا از طریق پاسیفیک شروع شد و همین اقدام به موقع سبب صادرات افغانستان به امریکا گردید و چون در مقابل وارداتی از امریکا نداشتیم، در عوض ذخیره طلای امروز "دافغانستان بانک" با همین تشبث خصوصی و اعتماد متقابل میان دولت و سکتور خصوصی بوجود آمد... قیمت این طلا در آن موقع در بازار آزاد بالغ بر 31 میلیون دالر بود و این مبلغ از مازاد صادرات برداشت شد. طلایی که در آن زمان از قرار فی دالر 13 افغانی خریداری شده، بعداً بخاطر بلند رفتن نرخ دالر و صعود قیمت طلا در بازار جهانی بسیار بلند رفته که قدرت "دافغانستان بانک" و نشر پول کاغذی بروی همین ذخایر طلا استوار است.» (کتاب "یادداشت های عبدالمجید خان زابلی"...، صفحه 13)

متأسفانه اسنادی که چه اندازه از این ذخایر طلا به حساب دولت در "دافغانستان بانک" به حیث ملکیت عامه داخل گردید و چه مقدار دیگر به حسابهای شخصی اعم از شخص عبدالمجید خان و نیز شرکای حکومتی و خاندانی واریز شد، در دست نیست.

کمبود مواد و صعود قیمت ها:

با وجودیکه دولت افغانستان در جنگ دوم جهانی موقف بیطرفی را اتخاذ کرد و از صدمات مستقیم نظامی آن جنگ کشور را در امان نگهداشت، اما از نظر اقتصادی با صدمه بزرگ ناشی از جنگ روبرو گردید. در نیمه دوم سال 1941 (1320) بعد از حمله آلمان به شوروی تجارت افغانستان با شوروی در پایان ترین حد خود رسید و نیز در نتیجه حملات جاپان در اوکیانوس آرام (پاسفیک) و کشورهای شرق دور، تجارت افغانستان با کشورهای محور و دیگر کشورهای اروپائی و آسیائی که در ساحه جنگ قرار داشتند، قطع گردید و تا سال 1942 تنها هندبرتانوی یگانه مرجع صدور و ورود اموال تجارتی افغانستان باقی ماند. در ساحه واردات باید گفت که قلت مواد بخصوص پارچه های نخی، البسه، پترول، تیل خاک، شکر و دیگر اموال مورد نیاز مردم مشکلات زیاد را بار آورد؛ قیمت ها سریعاً روبه افزایش گذاشت، چنانچه در سال 1324 (1945) قیمت ها به مقایسه سال 1318

(1939) تقریباً هفت چند بالا رفت و در مقابل قیمت امتعه صادراتی افغانستان به دلیل بعضی اقدامات هند برتانوی پایان آمد که در اثر آن صادرات کشور نیز تقلیل یافت.

میرمحمد صدیق فرهنگ در شماره 42 مورخ 12 جدی 1330 جریده "وطن" (اورگان نشراتی حزب وطن) مقاله دلچسپی درباره افزایش قیمت ها به مقایسه قبل از جنگ و بعد از آن نوشته و قیمت مواد حیاتی را از سال 1317 (1938) با قیمت عین مواد در سال 1330 (1951) در شهر کابل مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که طی مدت 13 سال فوق سطح قیمت ها بطور اوسط به اندازه پنج چند بالا رفته و اما سطح عاید مردم در شهر کابل بسیار کمتر از آن افزایش یافته که در نتیجه سطح زندگی مردم شهری بطور قابل ملاحظه تنزل کرده است. ارقام ذیل صعود قیمت مواد اساسی حیاتی را از سه سال قبل از شروع جنگ جهانی و سه سال بعد از ختم آن نشان میدهد: (سیر کابل معادل 7.06 کیلو گرام)

- 1- آرد یک سیر: از 5 افغانی (در سال 1317) به 22 افغانی (در سال 1330)؛
- 2 - روغن یک سیر: از 32 افغانی به 180 افغانی؛
- 3 - گوشت گوسفند یک سیر: از 12 افغانی به 72 افغانی؛
- 4 - چای یک پاو: از 4 افغانی به 20 افغانی،
- 5 - بوره یک سیر: از 12 افغانی به 80 افغانی؛
- 6 - برنج یک سیر: از 5 افغانی به 30 افغانی؛
- 7 - چوب 15 سیر: از 10 افغانی به 60 افغانی؛
- 8 - ذغال یک سیر: از 2 افغانی به 10 افغانی؛
- 9 - برق یک کیلووات: از 25 پول به 1 افغانی؛

این تحول بیشتر از همه ناشی از قلت مواد در بازار و بلند رفتن قیمت تیل، چای، بوره و بعضی اقلام وارداتی دیگر بود که موجب بلند رفتن سطح عمومی قیمت ها گردید و در عین زمان احتکار تاجران عامل قلت مصنوعی در بازار شده بود، اما دلیل مهم دیگر دولت چندی قبل پول کاغذی را به نشر رسانیده بود، بدون توجه با تأثیرات انفلاسیون مقدار بیشتر از حد لازم پول را متواتر به جریان انداخته بود، بخصوص با بلند رفتن قیمت ها دولت ناگزیر به افزایش معاشات و نیز مصارف خود شد و این اقدام غیرمستقیم به افزایش سریع تر قیمت ها منتج گردید. متأسفانه حکومت محمدهاشم خان نتوانست جلو افزایش قیمت ها را بگیرد که همین موضوع یکی دیگر از انگیزه های مهم نارضایتی مردم در جوار استبداد طولانی رژیم بود که در امر استعفی یا برکناری صدراعظم نقش داشت.

راجع به تولید غله که در اثر خشک سالی در سالهای 1323 و 1324 حاصلات گندم سخت صدمه دید و کسرفاحش به وجود آمد، وزارت اقتصاد تصمیم گرفت برای اولین بار به مقدار 25 هزار تن گندم از امریکا خریداری کند. ریاست ارزاق تا رسیدن گندم از امریکا یک مقدار غله را از نقاطی که حاصلات آن نسبتاً خوب بود، خریداری کرد و وقتیکه وضع بازار غله در مندوی های کابل، قندهار، مشرقی، قطغن، میمنه و هرات خراب بود، آنرا بخصوص در مندوی کابل و قندهار با قیمت تمام شد در حدود 14 افغانی فی سیر (تقریباً هفت کیلو) و آرد فی سیر 15 افغانی در کابل عرضه کرد و در سائر جا ها با اضافه مصارف ترانسپورت داخلی بفروش رسانید. قیمت گندم با ملاحظه ساختمان زراعتی هر ولایت و موجودیت گندم متفاوت بود، طور مثال در هرات گندم فی سیر کابل 6 الی 7 افغانی، در فرراه 8 الی 9 افغانی، در قندهار 10 الی 12 افغانی، در بدخشان 5 الی 6 افغانی، در قطغن و مزار و میمنه 10 الی 14 و در اطراف کابل 13 الی 14 افغانی بوده است.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

همچنان مشکلات ناشی از جنگ در هند از یکطرف به واردات پترول صدمه رسانید و حتی ورود آن بعضاً برای یکی دو هفته متوقف میگردید، از طرف دیگر افزایش تعداد موترها بخصوص برای حمل و نقل به اطراف ضرورت به پترول بطور جدی مطرح بود و قیمت آن به دلیل کمبود در عرضه رو به صعود داشت. وزارت اقتصاد ملی بعداً با تأسیس شرکت پترول توانست به ورود پترول نظم بخشد و در اثر آن از کمبود جدی و ایجاد بازار سیاه بوسیلهٔ محتکرین جلوگیری کند. در اواخر 1326 حکومت نرخ ثابت پترول را فی گیلن 8 افغانی و 75 پول در سرتاسر کشور تعیین کرد که اینکار موجب از بین رفتن احتکار پترول گردید و نیز از نوسانات فاحش نرخ حمل و نقل کالا به نقاط مختلف کشور که با ارتباط قیمت های متفاوت و اغلب احتکاری پترول در تغییر بود، یک نوع ثبات بخشید.

تیل خاک که مورد استفاده برای تنویر یکی از احتیاجات مبرم مردم در تمام کشور بود، نیز از طریق شرکت پترول مرفوع گردید و از بازار احتکاری آن با قیمت های بلند جلوگیری بعمل آمد. شرکت پترول در جوار تورید پترول مقدار کافی تیل خاک را نیز از روسیه وارد و در سرتاسر کشور از طریق بازار توزیع میکرد.

از جمله احتیاجات اولیه چای و صابون بود که روز بروز بر قلت آن افزوده می شد و چون فابریکه کوچک صابون سازی قندز به دلیل تقلیل حاصلات پنبه نیز توانائی تولید لازم را از دست داده بود، لذا وزارت اقتصاد ملی به تورید مقدار صابون اقدام کرد. عین موضوع شامل حال چای بود که به دلیل برهم خوردن نظام اقتصادی در هند و سیلون واردات چای از آنجا به مشکل مواجه گردید و دولت مجبور شد برای رفع این معضله بجای اتکاء به تجار انفرادی خودش به تورید چای از هند و سیلون بپردازد و بدینوسیله این مشکل را مرفوع و دست محتکران را کوتاه سازد و نیز قیمت را تاحدی در بازار زیر کنترل آورد. (برای شرح مزید دیده شود: گزارش "مجلس رفاه عامه"، سالنامه کابل، سال 1326 - 1327، صفحه 61 - 69)

در اثر بندش راه ها تورید مواد ساختمانی از قبیل سمنت، آهن باب و دیگر لوازم و مواد و مورد ضرورت پروژه های ساختمانی اعم از دولتی و خصوصی با مشکلات زیاد مواجه گردید و از این طریق پیشبرد کار اکثر پروژه ها به تعویق افتاد و اینکار موجب بیکاری مزید و در نتیجه تشدید فقر و نارضایتی بیشتر مردم از حکومت گردید.

(ادامه دارد)